ویروس کورونا، سرمایه و سیاست!

نازنین و یامین

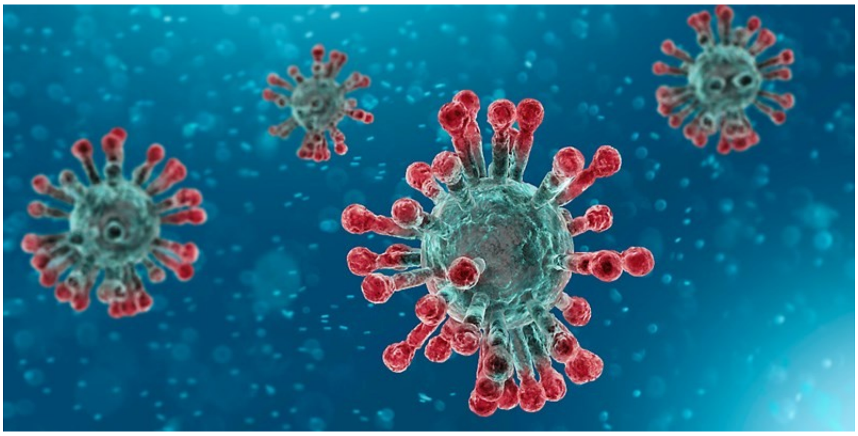
1

چکیده

در مدل‌های زیست-پزشکیِ سنتی، تمرکز اصلی بر بیولوژی و پاتوفیزیولوژی بود؛ بعبارت بهتر تاکید اصلی بر عاملِ بیماریزا، مکانیسم بیماریزایی، ویژگی‌های ژنتیکی میزبان، چرخهٔ بیماری و خلاصه رابطهٔ پاتوژن با میزبان نهاده می‌شد. در سال ۱۹۷۷ مدل جدیدی توسط جورج ال. اِنجل (George L. Engel) معرفی گردید که به «مدل زیست‌شناختی-روانشناختی-اجتماعی»The biopsychosocial model (B.P.S) معروف شد.[2] در این مدل، سلامت و بیماری، بمثابهٔ محصولِ عملکرد متقابلِ متغیرهای بیولوژیکی، روانشناختی و اجتماعی-فرهنگی تعریف شدند.

این مدل اگرچه در حوزه بهداشت و درمانِ روان (سایکولوژی و سایکیاتری) مورد حمایت اکثر مراکز علمیِ پیشرفتهٔ جهان قرار گرفت ولی با مقاومت و مخالفت متخصصان طب بالینی روبرو گردید! آنها تلاش کرده‌اند تا مباحثاتِ مربوط به سلامتی و بیماری را همچون گذشته صرفاً در حوزهٔ بیولوژی نگه دارند؛ و متاسفانه، گرایشات رادیکالِ اجتماعی نیز در مواردی مثل مورد «کووید-۱۹» سراغ همین دسته از متخصصان می‌روند و عملا نقش عوامل و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بخصوص طبقاتی مسئله را نادیده می‌گذارند. این نوشتار سعی می‌کند از دریچهٔ انتقادی و از زوایای دیگر به پاندمی «کووید-۱۹» بپردازد.

مقدمه

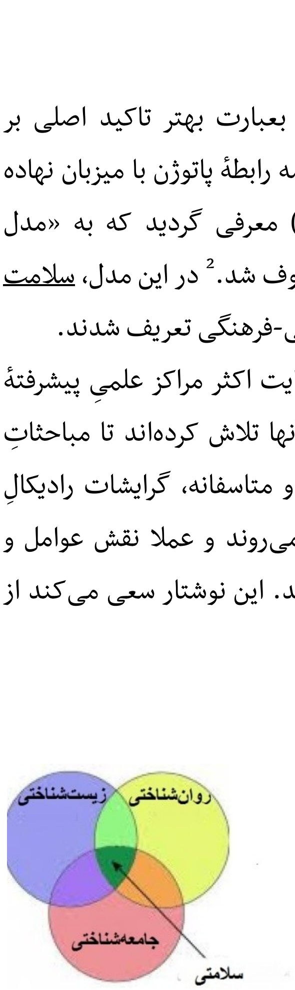

بنا به مدل (B.P.S)، سلامتی هر انسان، در محل تقاطع سه دسته عوامل زیست‌شناختی[3]، روان‌شناختی[4] و جامعه‌شناختی[5] تعیین می‌شود. اگر این دسته از عوامل در محدودهٔ باصطلاح نرمال قرار بگیرند، سلامت فرد تامین می‌شود؛ و اگر

به هر دلیلی، هر یک از دایره یا دایره‌ها کوچکتر و یا بزرگتر شوند، بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی فرد تاثیر منفی می‌گذارند و به اختلال، بیماری یا مرگ می‌انجامند.

در حوزه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی، انسان به دستاوردهای عظیمی دست‌یافته است؛ مثلا در بیماری قند (دیابت تیپ یک) که ناشی از نقصان ترشح انسولین از سلولهای جزایر لانگرهانس[6] است، می‌توان انسولین را در آزمایشگاه تولید و به بیماران تزریق کرد و تعادل از دست رفته‌شان را جبران نمود، و یا با استفاده از تکنیکهای رفتاردرمانی(CBT)[7] به درمان افسردگی، استرس یا فوبیا (ترس) و بسیاری از اختلالات شخصیتی و روانی پرداخت؛ اما در حوزهٔ جامعه‌شناختی چنین نیست. دلیلش هم روشن است؛ در جوامع کاپیتالیستی قرار نیست که دانش و دانشمند برای تغییر روابط و مناسبات حاکم قدمی بردارد. مثلا وقتی توماس پیکتی[8] با ارقام و آمار نشان می‌دهد که سیستم کاپیتالیستیِ فعلی تهدیدی علیه نظم دموکراتیکِ جامعه است، به آن وقعی گذاشته نمی‌شود؛ یا وقتی فرانسیس فوکویاما[9] اظهار می‌کند که چارهٔ گرفتاریهای جوامع کاپیتالیستی درگرو بازگشت سوسیالیسم است، سخنش جدی گرفته نمی‌شود، حال آنکه وقتی همین فرد پایانِ تاریخ را اعلام کرد و پیروزی بلامتنازعِ کاپیتالیسم را جار زد، حلواحلوایش کردند و برایش شهرت جهانی خریدند!

مورد مثال دیگر، مسئلهٔ موسوم به «گرمایش زمین» است. علی‌رغم همهٔ شواهد و مدارکِ علمی موجود پیرامونِ رابطهٔ گازهای گلخانه‌ای با بالارفتن دمای زمین و عوارض ناگوار ناشی از آن (سونامی‌ها، فجایع زیست-محیطی، خشکسالی و ...) و علی‌رغم همهٔ اعتراضات وسیع، توده‌ای و جهانی که صورت گرفته، بوضوح می‌بینیم که صاحبان سرمایه و قدرت در همدستی با سیاستمداران (به رهبری ترامپ) همه یافته‌های علمی را انکار می‌کنند و آنها را "جعلیات" می‌خوانند![10]

پاندمی[11] «کووید-۱۹»[12]

در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹، در شهر ۱۱ میلیونی وُهان چین از استان هوبی (Chinese Wuhan, Hubei-provinsen) ویروس جدیدی پیدا شد که بخاطر بجاگذاشتن عوارض تنفسی شدید و حتی کشنده‌اش، در ۱۲ فوریه ۲۰۲۰، تحت نام «سارز-کووی۲-» (SARS-CoV-2)[13] ثبت شد؛ و بیماری ناشی از آن «کووید-۱۹» نام گرفت. این ویروس از خانواده کروناویروس است که از سه زیر گروه آلفا، بتا و گاما تشکیل شده‌اند. تاکنون ۷ تیپ از خانواده کروناویروس در انسان شناسایی شده‌اند که همگی به گروههای آلفا و بتا تعلق دارند. از این میان ۴ تیپ جزو عوامل اصلی آنفلوآنزای فصلی بحساب می‌آیند. سایر تیپ‌ها که خطرناکتر هستند برحسب عوارضی که ایجاد می‌کنند به ویروس‌های کرونای سارزی SARS و مرسی MERC معروف هستند.[14] اولین تیپ از ویروس کرونای سارزی در سال ۲۰۰۳ تشخیص داده شد و ویروس «سارز-کووی-۲» دومین مورد آن است.

ویژگی برجستهٔ این ویروس دورهٔ کمون (نهفتگی یا انکوباسیون)[15] نسبتا طولانی (۲ تا ۱۴ روز، بطور متوسط ۵ روز) است؛ یعنی فرد آلوده می‌تواند در طول این مدت، بی‌آنکه علائمی از عفونت ویروسی نشان دهد، بمثابهٔ یک ناقل، سایرین را مبتلا نماید. نتیجهٔ ردّگیری یکی از مبتلایان شنیدنی است: شخصی از منطقه Hove انگلیس _که در رسانه‌ها بعنوان "سوپر ناقل" (super-spreader) معرفی شد_ در تاریخ ۲۱ ژانویه برای شرکت در کنفرانسی به سنگاپور رفت. در آنجا عفونت ویروسی را از یکی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس که از وُهان چین آمده بود گرفت. پس از خاتمهٔ کنفرانس، مرد انگلیسی برای ایام مرخصی و اسکی، عازم کوههای آلپ فرانسه شد. در آنجا ۵ نفر را

آلوده کرد. پس از پایان مرخصی به محل زندگیش در انگلیس بازگشت و سری به پوب (Pub) زد و حداقل ۴ نفر را در آنجا آلوده نمود. بدلیل وجود همین ناقلین فاقد علائم بیماری، و سرعت انتقال عفونت هم هست که تعداد مبتلایان بطور متوسط هر ۵ روز دوبرابر شده است. البته در بعضی از مناطق که تراکم جمعیت (بعلت ایام مرخصی و یا همزمانی با تعطیلات سال نو و ...) بیشتر بوده، آمار ابتلا بمراتب بالاتر است. همین امر سبب شد تا «کووید-۱۹» در زمان بسیار کوتاهی جهان‌گیر (پاندمیک) شود.

در پاندمی سارز SARS (۲۰۰۳)، بیماری به حدود ۲۵ کشور رسید، مجموعا حدود ۸۰۰۰ نفر مبتلا گشتند و از این میان حدود ۹۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. و نهایتا پس از ۸ ماه اوضاع بحالت عادی بازگشت. این در حالیست که «سارز-کووی-۲» ظرف حدود ۲ ماه به حدود ۷۰ کشور رسید، حدود ۱۰۰ هزار نفر را آلوده کرد و حدود ۳۵۰۰ کشته بجا گذاشته است! تازه اینها بر اساس آمارهایی است که از منابع رسمی (و غیرمعتبری مثل رژیم ایران) جمع‌آوری شده‌اند.[16]

سرعت انتقال و قابلیت تهاجمی ویروس جدید موجب شد تا شایعاتی در بارهٔ ارتباط آن با جنگ بیولوژیکِ ابرقدرتها، و پروژه‌های میلیتاریستی امپریالیست‌ها مطرح شود.[17] البته جا دارد خاطرنشان شود که در سال ۱۹۷۲، کنوانسیون «ممنوعیت تولید سلاحهای بیولوژیک و سمی» به تصویب رسید که تاکنون بیش از ۱۴۴ کشور آنرا امضا کرده و خود را متعهد به اجرایش کرده‌اند.[18] با اینحال مدارک فراوانی در رابطه با تولید سلاح‌های بیولوژیک (توسط دولتها) وجود دارد؛ حتی اسنادی موجود است که نشان می‌دهد دولت‌ها، بطور محرمانه و بدون اطلاع شهروندان، تولیدات بیولوژیک را روی آنان تست کرده‌اند؛ نمونه‌اش پروژهٔ نظامی-تحقیقاتی اسپیروکت ترپونما پالیدوم (عامل بیماری سیفلیس) بود که روی سیاهان امریکا انجام گردید.[19]

به این ترتیب، دامنهٔ شایعات تا آنجا قوی شد که به مجامع تخصصی هم رسید: آیا «سارز-کووی-۲» نتیجهٔ یک موتاسیون (جهش ژنتیکی) طبیعی است یا محصول دستکاری (مهندسی) ژنتیکی است؟

«سارز-کوو-۲» سلاحِ بیولوژیک؟

سایت «Researchgate»[20] که محلی برای تبادل نظر و بحث‌وگفتگوی پژوهشگران و متخصصان است، در روز اول ژانویه ۲۰۲۰، در صفحه مباحثاتش این سئوال را مطرح کرد: «آیا ویروس کرونای جدید (کووید- ۱۹) یک سلاح بیولوژیک برای تحت فشار قراردادن اقتصادِ چین است؟»[21]

تا زمان نگارش این نوشتار بیش از ۲۰۰ پاسخ به این سئوال داده شد و هنوز بحث حول آن ادامه دارد. بعضی مدعی شدند ویروس جدید با دستکاری ژنتیکی بر روی رشته پروتئینی HIV (ویروس ایدز) تهیه شده است[22] و بعضی دیگر دلایلی در ردّ این ادعا ارائه کردند؛[23] بعضی آنرا به سیاست میلیتاریستی امریکا نسبت دادند[24] و بعضی دیگر به چین.[25] و سایتِ نشریهٔ اِپوک تایمز (The Epoch Times) نیز ـ که توسط چینی‌های ساکن امریکا به ۹ زبان، از جمله به فارسی اطلاع‌رسانی می‌کند ـ مقاله‌ای در تایید رابطهٔ پاندمی ویروس با پروژهٔ محرمانه حزب کمونیست چین منتشر نمود.[26]

در ۲ فوریه مجددا در سایت «Researchgate» سئوال دیگری مطرح شد: آیا اساسا دستکاری (مهندسی) ژنتیکی ویروس کرونا و تهیه تیپ مهاجمی مثل «سارز-کووی۲-» امکانپذیر است؟[27] در این زمینه هم بحث‌هایی زیادی درگرفت که هنوز هم در جریان است.

بعلاوه یک گزارش ویدئویی از دخالت انگلیس در ماجرا در مدیای مجازی دست‌به‌دست شد که در واقع به سال ۲۰۱۰ تعلق داشت و توسط بیل رایان تهیه شده بود. او در این ویدئوی ادعایی، از پروژه‌ای بنام «ماموریت انگلوساکسون»[28] پرده برمی‌دارد که با همکاری عالیترین مقامات نظامی-امنیتی-سیاسی انگلیس تهیه شده بود. بخشی از این پروژه، گویا به حمله بیولوژیکی به چین، آنهم با ویروس آنفلوآنزا اختصاص داشته که به همین مناسبت «چین سرما می‌خورد» نام گرفته بود![29]

فیلسوف ایتالیایی جیورجیو آگامبن (Giorgio Agamben) نیز ویروس کرونا را اقدامی از جانب دولت‌ها برای تعمیمِ دامنهٔ کنترل‌شان بر آحاد جامعه معرفی نمود. به گمان او دیگر با توسل به تروریسم نمی‌توان مردم را ترساند و همهٔ جوانب زندگی‌شان را کنترل کرد؛ مبارزه با باصطلاح پاندمی، راهکار جدید دولتها برای توسعهٔ سیاستهای امنیتی-کنترلی‌شان است.[30] مشابه همین استدلال در مدیای مجازی از ساکنین ایران نیز شنیده شد. آنها ادعا کردند که ویروس کرونا تبلیغات رژیم برای خانه‌نشین‌کردن مردم، بمنظور ممانعت از تحرکات اعتراضی‌شان است... و خلاصه دامنهٔ گمانه‌زنی‌ها، اتهام‌زنی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها هر روز وسعت بیشتری پیدا کرده و می‌کند که خود به مانعی در برابر اطلاع‌رسانی علمی تبدیل شده‌است.

علاوه بر سرعتِ انتقال ویروس «سارز-کووی-۲» و بقول یکی از رسانه‌ها، "هوشمند" بودن آن، مسایل دیگری هم وجود داشتند که به گمانه‌زنی‌ها بال‌وپر دادند: از جمله محل شیوع بیماری (شهر ۱۱ میلیونی در مرکز چین)، زمان شیوع (همزمانی با جشن سال نو میلادی و سال نوی چینی)، برگذاری هفت‌امین بازیهای جهانی نظامیان در ۱۸ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹ در وُهان، با حضور ۳۶۱ سرباز امریکایی شرکت‌کننده[31] و ...

در این آشفته بازار، بعضی از سیاستمداران و فرصت‌طلبان هم بمیدان آمدند تا با موج‌سواری، بار خود را به منزل برسانند که مورد مثال برجسته‌اش احمدی‌نژاد بود![32] به موازات، جنگ راسیستیِ شرم‌آوری نیز علیه مردمان چین براه افتاد. فرهنگ غذایی، آداب اجتماعی و خلاصه همه چیز مردمان چین، مورد تمسخر قرار گرفت و تقصیر پاندمی «کووید- ۱۹» به پای مردم چین نوشته شد؛ هر فرد چینی، عامل "آلوده‌ساز" و ناقل معرفی گردید! و همهٔ تولیدات و کالاهای چینی، به حاملین ویروسِ کشندهٔ «سارز-کووی۲-» تبدیل شدند!

با آنکه هیچ مدرک قانع‌کنندهٔ علمی برای رد یا قبول بسیاری از سناریوهای ارائه شده وجود نداشت و ندارد، اما جنگ تبلیغاتی، کارزار سیاسی و بازار تبلیغاتی چنان توده‌های بیدفاع، مستأصل و نگران را هدف قرار داد که نیاز به روشنگری و آگاهگری هر روزی که می‌گذرد، عاجل‌تر و ضروری‌تر می‌شود.

«کووید- ۱۹» در اسارت افسانه و خرافه

واقعیت این است که توده‌های مردم به دولت‌ها، نهادها، سیاستمداران و متخصصانِ وابسته به دولت بی‌اعتماد هستند. آنها دودوزه‌بازی‌ها، ریاکاریها و دروغگویی‌های هر روزه‌شان را دیده و تجربه‌کرده‌اند؛ حتی شاهدند که وقتی

فردی مثل جولیان آسانج مشت‌شان را وا می‌کند و حقایق را برملا می‌سازد، چه بلایی به سرش می‌آورند. بنابراین قابل فهم است که آنها به اظهارات، ادعاها و رهنمودهای رهبران، سیاستمداران و دست‌اندرکاران به دیدهٔ تردید بنگرند. و آنجا که با لاپوشانی، مخفی‌کاری، دروغگویی و فریب‌کاری آنان روبرو می‌شوند، به گمانه‌زنی، تصور پراکنی و شایعه‌سازی دست‌بزنند! به این معنی، اگرچه دروغ، توطئه، شایعه و گمانه به هیچ عنوان قابل دفاع نیست اما بخشی از اخلاقیات مقبولِ طبقات حاکمِ جوامع کاپیتالیستی است؛ ترامپ، رئیس جمهور منتخبِ مدعی‌ترین کشورِ دموکرات جهان، در سه سالِ اول ریاست جمهوریش، ۱۶۲۴۱ بار دروغ گفته است![33] اگر تعداد دروغ‌های همپالکی ایرانی و برزیلی و ... ترامپ را به این رقم اضافه کنیم و کُل دروغ‌پردازیهای ساختار حاکمیت بورژوایی را تا پایین هرم دنبال کنیم، آنوقت بیشتر به مردم حق می‌دهیم!

بعلاوه سایهٔ سنگین سرمایه و سیاست چنان بر "بحران کرونایی" سنگینی کرده که ریشه‌ها و پایه‌های تردیدِ مردم کاملا قابل فهم جلوه می‌کند؛ نمونهٔ روشنش را در موضع‌گیری رژیم اسلامی، پیش از انتخابات دیدیم. آنها به انحاء مختلف کوشیدند تا بر معضلی به نام ویروس کرونا، پردهٔ استتار بکشند تا افراد بیشتری را به پای صندوق‌های رأی بکشانند! گذشته از اینها، استفادهٔ دولت‌ها از سلاح‌های بیولوژیک موضوع سابقه‌داری بوده و حتی پیش‌تر در محل‌های عمومی، علیه مردم کوچه‌وخیابان بکار گرفته شده[34] و حتی علیه گروه‌های مردمیِ خاص، استفاده شده بود،[35] لذا دلیلی وجود نداشت و ندارد که سناریوی مشابهی در رابطه با ویروس «سارز-کووی-۲» انجام نشده باشد!

ضمنا پس از شیوع بیماری، ژنوم (ساختمان ژنتیکی) «سارز-کووی-۲» بلافاصله شناسایی شد و در اختیار محققان قرار گرفت[36] تا برای تهیه واکسن اقدام کنند. مطالعات نشان داد که این ویروس حاوی یک پروتئین ویژه در شاخک‌های میخی شکلِ دیواره‌اش بود که در سایر ویروسهای خانواده کرونا و تیپ‌های مشابه دیده نمی‌شد.[37] بعلاوه در میان ژنوم حدود ۱۵۰ ویروسی که از بیماران مبتلا به «کووید-۱۹» بدست آمد، نمونه‌های موتاسیون شده هم وجود داشت.[38] بنابراین شک بر دستکاری ژنتیکی چندان هم بی‌پایه نبوده‌است.

بهرتقدیر جامعه حق دارد سئوال کند که هدفِ تحقیقاتِ کاربردی در رابطه با ویروس کرونا که سالهاست توسط Ralph Baric، در دانشگاه نورد کارولینا در حال انجام است، چه بوده‌است؟ بودجهٔ این پروژهٔ سنگین که به مهندسی ویروس کرونا اختصاص دارد که عوارضی مشابه SARS در موش ایجاد کرده[39] از کجا تامین شده‌است؟ چرا نتیجهٔ تحقیقات او در Nature یعنی معتبرترین نشریهٔ علوم پزشکی چاپ شد و علیرغم ابراز نگرانی‌های جامعهٔ علمی[40]، وقعی به هشدارها نهاده نشد؟

جامعه حق دارد بپرسد چرا در کنفرانس ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹ که در شهر نیویورک، در مرکز تأمین سلامتی جان هاپگینز، با نام «رویداد ۲۰۱» برگذار شد، مدلی که برای تمرین آزمایشی (tabletop exercise) انتخاب گردید، یک ویروس کرونا بود؟[41] آنهم در چنین زمان کوتاهی پیش از پاندمی کرونایی؟ دلیل حمایتِ «مجمع اقتصاد جهانی» و «بنیاد بیل و ملینا گیتز» از این کنفرانس چه بود؟

خطر پاندمی کرونایی جدی است

عفونت‌ها و بیماریها قربانیان زیادی از بشریت گرفته و می‌گیرند؛ یک نگاه گذرای تاریخی، ابعاد فاجعه را برملا می‌کند: پاندمی طاعون (معروف به طاعون قسطنطنیه Plague of Justinian) که در ۴۵۱ میلادی از امپراتوری

بیزانس آغاز شد و به ایران هم رسید، نیمی از جمعیت اروپا را کُشت؛ " طاعون سیاه" (Black Death) که در فاصله سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ میلادی شایع شد ۲۵ میلیون نفر را فقط در اروپا به کام مرگ کشید؛ پاندمی آبله (Smallpox) و تیفوس (Typhus) در فاصله سالهای ۱۵۱۸ تا ۱۵۶۸ میلادی، ۱۷ میلیون نفر را در مکزیک به کام مرگ برد؛ آبله در قرن ۱۸ میلادی شصت میلیون نفر را قربانی کرد؛ سِل (tuberculosis) در قرن ۱۹، صرفا در اروپا، موجب مرگ‌ومیر یک-چهارم از جمعیتِ بالغ شد.[42] این لیست را می‌توان تا صفحه‌ها ادامه داد. بعلاوه باید خاطرنشان کرد که *تنها در قرن بیستم*، سه پاندمی آنفلوآنزا داشته‌ایم: اولین پاندمی آنفلوآنزا، معروف به (آنفلوآنزای اسپانیایی Spanish flu)، در سال ۱۹۱۸ شایع شد و ۲٪ از جمعیت ۱,۷ میلیاردی آنروز (یعنی معادل حدود ۳۴ میلیون نفر) را درو کرد؛ پاندمی دوم، موسوم به آنفلوانزای آسیایی (Asian Flu)، که عاملش influenza A (H2N2) virus بود، در سال ۱۹۵۷ مسببِ مرگ یک میلیون و صدهزار نفر شد؛[43] پاندمی سوم، در سال ۲۰۰۹ ویروس H1N1 (عامل آنفلوآنزای خوکی؛ Swine influenza) تنها در دوازده ماه اول شیوعش بیش از نیم میلیون نفر را کُشت.[44] و بنا به آمار سازمانهای جهانی، حتی همین امروز نیز سالیانه چیزی حدود ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر، در اثر ابتلا به آنفلوآنزا، جان خود را از دست می‌دهند. حتی همین امسال، تنها در امریکا، حدود ۱۴۰ هزار نفر شدیدا به آنفلوآنزا مبتلا شدند که به مرگ ۸۲۰۰ نفر انجامید.[45] و تا آنجا که به ویروس کرونا برمی‌گردد، اولین نمونه آن (SARS) در چین در ۲۰۰۲ پیدا شد که ۸۴۲۲ نفر را مبتلا کرد و به مرگ ۹۱۶ نفر انجامید (درصد مرگ‌ومیر ۱۱٪). نمونهٔ موسوم به MERS در ۲۰۱۲ در عربستان سعودی پیدا شد که ۲۴۹۴ را مبتلا کرد و موجبِ مرگ ۸۵۸ نفر شد (۳۴,۴٪). و خلاصه واقعیتی که کمتر از آن حرف زده می‌شود حدود ۲۰۰ اپیدمی‌ای است که سالیانه در نقاط مختلف جهان، بویژه در کشورهای فقیر، قربانیِ میلیونی می گیرد.[46]

پاندمی حاضر، می‌تواند فاجعهٔ انسانی وحشتناکِ دیگری بیافریند اگر که جدی گرفته نشود. بعضی از متخصصان و اغلب سیاستمداران می کوشند تا با استناد به پایین بودن درجهٔ مرگ‌ومیر «کووید- ۱۹» (۲٪ که البته صحت‌اش مورد تردید است[47]) قضیه را ساده بگیرند و با تاکیدِ صرف بر توصیه‌های بهداشتی، خطر را کوچک جلوه دهند، غافل از آنکه بدلیل بالابودن تحرکات انسانی و سرعت تبادلات کالاییِ جهان امروز، و سرعت انتقال زیاد این ویروس، و وجود ناقلینِ بدون علائم، و ... تعداد مبتلایان و کشته‌شدگان می‌رود تا روزبروز افزایش یابد. خطر جدی‌تر از جدی است! انتشار یک ویروس از یک بازار در قلب چین به حدود ۷۰ کشور آنهم ظرف حدود ۲ ماه، و آلوده‌کردن بیش از ۱۰۰ هزار نفر و بجاگذاردن بیش از ۳۵۰۰ کشته، گویایِ عمق فاجعه است.

«سارز-کووی-۲» و سیستم مبتنی بر سود

صرفنظر از آنکه ویروس «سارز-کووی۲-» محصول جهش طبیعی یا نتیجهٔ دستکاری ژنتیکی باشد، مرگ‌ومیر ناشی از پاندمی «کووید-۱۹» لزوما ناشی از نادانی، ناتوانی و ناداری بشر نیست! امروزه دانش، تکنیک و توان مالیِ مقابله با این امراض وجود دارد، اما مشکل اینجاست که واکسن و دارو نیز مثل هر کالای دیگر، تابع قانونمندی بازار و "منطق سرمایه" است! آن کالایی ارزشِ سرمایه‌گذاری دارد که سودآور باشد، و کالایی سودآور است که مصرف‌کنندگانش پولدار و بامایه باشند! برای نمونه واکسن اسهال کودکان (Against E. Coli) که آمادهٔ تولید و نجات جان میلیونها کودک است، باید بلااستفاده بماند چون هیچ شرکت دارویی حاضر به سرمایه‌گذاری نیست! چون مصرف‌کنندگانش کودکانِ فقیرند! و سود چندانی عاید صاحبان سرمایه نمی‌کنند ![48] مشابهٔ همین جمله را رالف هیلگن‌فلد پژوهشگر آلمانی تکرار می‌کند! او که مطالعات زیادی روی کروناویروس‌ها انجام داده و به ترکیباتی برای درمان عفونت‌هایی کرونایی دست یافته، اظهار می‌کند: "کسی حاضر به سرمایه گذاری نیست، چون سودآور نیست."[49]

جا دارد گفته شود که در پاندمی سارز (۲۰۰۳)، دانشمندان موفق شدند تا واکسن ضدویروس را خیلی زود تهیه کنند.[50] حتی مرحلۀ ابتداییِ بررسی‌کلینیکی (موسوم به فاز ۱) هم انجام شد، اما با محدودشدن بیماری و فروکش کردن تعداد مبتلایان، اشتیاق برای تولید واکسن نیز ــبه حکم "منطق سرمایه" و قانونِ جاودانۀ "عرضه و تقاضا"ــ فرونشست!

در سال ۲۰۱۳ رالف هیلگن‌فلد و همکارش مَلِک پِیریسِ مقاله مفصلی پیرامون یک دهه تجربۀ جامعۀ بشری ــاز زمان شیوع بیماری سارز SARS (۲۰۰۲) تا مرس MERS (۲۰۱۳)ــ منتشر کردند[51] و به تفصیل به پیشرفت‌های عظیمی که بشر در رابطه با مهار این بیماریها بدانها دست یازیده اشاره نمودند و صراحتا اعلام داشتند که آنچه مهار این عفونت‌ها و ویروس‌ها را با مشکل روبرو کرده، فقدان پول برای ادامۀ تحقیقات و پیدا کردن شرکتی است که حاضر به سرمایه‌گذاری بر روی ترکیبات آنتی ویروسی باشد! حتی رالف هیلگن‌فلد و همکارانش برای تشویق شرکت‌های دارویی به سرمایه‌گذاری، تلاش کردند تا دامنۀ تاثیر داروی ضدویروسی‌شان را علیه enterovirus-71 ــکه سالیانه جان ۵۰۰ هزار کودک را می‌گیردــ تعمیم دهند تا بلکه با زیادتر کردن تعداد مصرف‌کنندگان، و با وعدۀ سود بیشتر به شرکتهای دارویی، موافقت‌شان را برای تولید واکسن کرونا جلب کنند! اما چنین نشد!

در سال ۲۰۱۶ الیم‌الدین زوملا و همکارانش در بخش عفونی دانشگاه لندن، مقاله ای منتشر کردند[52] و اعلام داشتند که یافته‌ها و دانسته‌های کافی برای مقابله با ویروس کرونا وجود دارد و شیوع مرس MERS این فرصت را داده تا با ایجاد یک شبکه جهانی، متشکل از هیئت‌های علمی، تدارکات لازم برای تولید واکسن ضدکرونایی فراهم شود. اما تهیه چنین امکانات و آزمایشگاههایی مستلزم صرف بودجه‌های هنگفت بود که نه انحصارات و نه دولتها تمایلی برای تامین مالی آن نشان ندادند.

جالب اینجاست که اگر فلان مولا یا موکلا بخواهد مسجد یا مرکز اسلامی‌ای در فلان نقطۀ جهان تاسیس کند، این پول‌های عربستان، قطر، ایران و ترکیه است که از هر طرف سرازیر می‌شود! یا وقتی که قرار باشد جانورانی را به نام داعش، طالبان، نئونازیست و ناسیونالیست‌های رنگارنگ به جان مردم بیاندازند، گونی‌های اسکناس است که از جانب دولتهای منتخب و دموکرات حواله می‌شود! یا وقتی که بانک‌ها در نتیجه دزدیها و بورس‌بازیها ورشکست می‌شوند، کاملا طبیعی است که از مالیات‌های مردم برای جبران زیان‌شان پرداخت گردد! و یا برای فرونشاندن خشم توده‌ها و حفظ و حراست رژیم‌های بی‌لیاقتی که در نتیجۀ جعل، جهل و جنایت‌شان، بحران کرونا به چنین ابعادی گسترش یافته، ابدا مشکل نیست که صندوق بین‌المللی پول ۵۰ میلیارد دلار[53] و بانک جهانی ۱۲ میلیارد دلار[54] ولخرجی کنند و ...!

تازه، اگر دانشمندان موفق شوند به همت و تلاش جمعی خودشان، بخشی از این مشکلات را رفع‌ورجوع کنند و فرصت و امکانی را برای انجام تحقیقات‌شان فراهم کنند، بوروکراسی دولتی، بقدری دست‌وپا گیر و طولانی است که در سیر آن همان فرصت و امکان نیز از دست می‌رود! بعلاوه اگر به پروسۀ زمانی کار ــکه از گرفتن اجازۀ تحقیق، مطالعات آزمایشگاهی، آزمون حیوانی، آزمون انسانی، انتشار نتایج و... تا ثبت و اخذ پروانۀ تولید دارو را شامل می‌شودــ (که در امریکا حدود ۸ سال طول می‌کشد[55]) را بیافزاییم، آنوقت با واقعیت فاجعه بیشتر آشنا می‌شویم![56]

واقعیت این است که بخش خصوصی و انحصارات مالی بر تولیدات دارویی سلطۀ بلامنازع دارند. آنها بی‌توجه به جان انسانها و ازهم‌پاشیدگی شیرازۀ جامعه، چرتکۀ خود را می‌اندازند و اقدام‌شان را منوط به سودبری می‌کنند! و در

این میان کاری از کسی ساخته نیست، چونکه مالکیت مقدس است و منطق سرمایه حکم می‌کند تا آنجایی بکار بیافتد که سودآفرین باشد! ... و اینجاست که تقدیسِ مالکیت خصوصی به تقدیس جنایتِ مقدس بدل می‌شود. سخنان آدریان هیل، مسئول بخش عفونت اِبولایی بریتانیا در جریان شیوع اِبولا باندازهٔ کافی گویاست: "مگر اینکه یک بازار بزرگ وجود داشته باشد تا برای یک شرکتِ [دارویی] جهان‌گستر، ارزش سرمایه‌گذاری پیدا کند... تهیه واکس اِبولا برای مردمانی که نیازمندش بودند، از لحاظ تجاری صرف نمی‌کرد."[57] بعلاوه، بارها شاهد بوده‌ایم که انحصارات دارویی، حتی در کمال بیرحمی دست‌روی‌دست گذاشته و منتظر مانده‌اند تا دامنهٔ بیماری و مرگ‌ومیر وسعت پیدا کند تا ارزش سرمایه‌گذاری پیدا کند تا بعد شروع به اقدام کنند!

از طرف دیگر این هم واقعیت دارد که جامعهٔ کاپیتالیستی حاضر با بحران "جمعیت اضافی" روبروست.[58] هرچه شکافِ میان اردوی سرمایه با اردوی کار عمیق‌تر می‌شود (بنا به آخرین گزارش آکسفام، تنها حدود ۲۰۰۰ نفر، ثروتی معادل ۴٫۶ میلیارد نفر دارند![59]) بر تعداد جمعیت "سیارهٔ زاغه‌نشینان" افزوده می‌گردد؛ جمعیتی که "کاپیتالیسم جهانی، مورد مصرفِ مستقیمی برایش ندارد... [بعلاوه] گروههای سلطه‌گر با این چالش روبرویند که چگونه شورشِ بالقوه و بالفعل این بشریت اضافی را کنترل کنند".[60]

اپیدمی و پاندمی، راه‌حل بی‌خرجی برای خلاصی از شرّ این جمعیت مزاحم است. سخنان مایکل رایان، مدیر اجرایی سازمان بهداشت جهانی، در اواسط سال گذشته، در توصیف جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، به اندازهٔ کافی هشداردهنده بود. بشریت در شرایط حاضر با ۱۶۰ بیماری خطرناک دست بگریبان است (که از این میان ۹ عدد بعنوان اورژانسی لیست شده‌اند) حال‌انکه دستاوردها و یافته‌های علمی و پیشرفت‌های تکنولوژیک، برای غلبه بر آنها کفایت می‌کند![61]

در سال ۲۰۱۸، گولدمن ساکس (Goldman Sachs)، غول مالی معروف، گزارشی را منتشر کرد و این سئوال را مطرح نمود: "آیا درمان بیماران، مدل تجاری مناسبی است؟"[62] و جواب به این سئوال، علیرغم زبان‌بازیها، در عمل برای همگان روشن است!

ملی‌کردن صنایع دارویی راه‌حل نیست

در مقاله‌ای که پیش‌تر به آن اشاره شد، معاون بخش بیماریهای عفونی امریکا Shantini Gamage و همکارانش، ضمن اشاره به همه مشکلات و معظلاتی که در رابطه با اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها وجود دارند پیشنهاد کردند که راه‌حل مشکل در حمایتِ دولت‌ها، از پروژه‌های تحقیقاتی و تولیدات دارویی است. اما واقعیت این است راه‌حلِ مشکل، در مالکیت دولتی و ملی کردن صنایع دارویی نیست! نگاهی به سیاستها، برنامه‌ها و عملکرد دولت‌های منتخب و دموکراتیک، در اینسو و آنسوی جهان، نشان می‌دهد که تمرکز آنان صرفا بر کاهش مالیاتِ شرکتها و ثروتمندان، تحمیل پروژه‌های ریاضت‌کشی به بازنشسته‌گان، و به لایه‌های تحتانی و اردوی کار، و صرفه‌جویی در خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی و ... بوده‌است!

بعلاوه، دولت‌ها و ارتش‌ها، صنایع تولید دارویی خود را دارند که مقاصد نظامی (یا باصطلاح مبارزه با دشمن خارجی و تروریسم!) را دنبال می‌کنند. ارتش امریکا از دهه ۹۰ میلادی تاکنون، ظرفیت تولید واکسن، آنهم به قیمت بسیار نازل را داشته است.[63] حتی بنا به گزارشات منتشر شده، حکومت امریکا، طی ۲۰ سال گذشته بالغ بر ۵۰۰ میلیون پوند

روی تحقیقات کرونایی سرمایه‌گذاری کرده[64] و چه بسا که واکسن و داروی ضد آن را هم تهیه کرده باشد؛ اما این قرار نیست برای درمان "جمعیت مازاد" استفاده شود، بلکه قرار است برای زمانی ذخیره شود که جان طبقهٔ حاکمه بخطر افتد!

اقدامات دولت چین (قرنطینهٔ فوری یک جمعیت ۳۲ میلیون نفری، تاسیس بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی ظرف ۱۰ روز برای مبتلایان به کووید۱۹-، استفاده از پهپاد در محل‌های عمومی برای اندازه‌گیری حرارتِ بدن رهگذران و ...) نیز در حمایت از جانِ اردوی کار نبود. دل‌نگرانی رئیس جمهور چین، شی جین‌پینگ (Xi Jinping) از کُندشدن روند انباشتِ سرمایه و سقوط نرخِ سودِ سرمایه‌گذاران خارجی بود! او همهٔ فشارش را بر اردوی کار چین آورده و می‌آورد تا رشد اقتصادی را که با اتکا بر شانه‌های نحیف کارگران، سهمش را از اقتصاد جهانی به ۵ برابر رسانده بود (از ۳٪ در سال ۲۰۰۳ به ۱۵٪ در سال ۲۰۱۵) دوباره پیش بگیرد!

اردوی کار چین در این رشد اقتصادی سهم بسیار ناچیزی دارد. گفته می‌شود وضعیت آنان همانقدر بد است که وضعیت طبقه کارگر انگلستان در دهه‌ی ۱۸۴۰ بود. آنها غالبا بین ۶۰ تا ۷۰ ساعت در هفته کار می‌کنند؛ ۲۵۰ میلیون نفرشان درآمد کم‌تر از یک دلار در روز دارند، و ۷۰۰ میلیون نفر با درآمد زیر ۲ دلار در روز ــبهمراه خانوادهــ زندگی می‌کنند.[65]

بعلاوه، نباید فراموش کرد که همین دولت خلقی چین، در جریان شیوع سارز در ۲۰۰۳ کوشید تا برای حفظ اقتصاد سودآورش، موضوع را مخفی نگه دارد که همین باعثِ بالارفتنِ سریع تعداد مبتلایان شد. اینبار نیز مقامات انتظامی چین کوشیدند تا با توبیخ پزشکی که زنگ خطر را بصدا درآورده بود موضوع را لاپوشانی کنند اما خبر، پیش‌تر جهانی شده بود و راهی بجز اقدام فوری باقی نمانده بود.

اما همین اقدامات محیرالعقول حکومت چین یکبار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که امکان، توان، پول و نیروی انسانی لازم و کافی وجود دارد و حتی به هنگام لزوم می‌تواند جداً شگفتی بیافریند (مثل تاسیس بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی در ۱۰ روز!) اما آنچه که مانع اصلی و واقعی بر سر رشد و تعالی جامعه است، مالکیت کاپیتالیستی (چه خصوصی، چه دولتی) است.

جمع‌بندی

- از آنجا که نزاعِ قدرتهای امپریالیستی بر سر چپاول منابع طبیعی و انسانی واقعیتی آشنا و باسابقه است، و از آنجا که جنگ تجاری-سیاسی چین با امریکا/اروپا ــ از جمله جنگ تعرفه‌ها ــ ماهها در صدر خبرها قرارداشت،[66] و از آنجا که توده‌ها اعتمادی به دولتمردان و سیاستمردان ندارند، با پخشِ خبرِ شیوع پاندمی کرونایی، زمینه و بستر لازم برای "تئوری توطئه"، گمانه‌زنی، شایعه‌پراکنی، تبلیغات راسیستی و غیره فراهم شد. دولت‌ها و گروههای مختلف اجتماعی نیز با دامن زدن به جنگ تبلیغاتی، کارزار سیاسی و توهم‌پراکنی، بر استیصال، نگرانی و وحشتِ توده‌ها افزودند. در چنین فضایی که صحت و سقم هیچ سناریوی نه قابل انکار و نه قابل تایید است، روشنگری و آگاهگریِ علمی، ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند.

- خطر پاندمی کرونایی بسیار جدی است. علاوه بر ویژگی‌های خود ویروس جدید که به آن قابلیت سرایت خارق‌العاده‌ای داده، سرعت ارتباطات و تحرکات جهان کنونی، و مصادف بودن شیوع آن با تعطیلات سال نو مسیحی و چینی، بر ابعادِ پخش جهانی ویروس افزود. دل‌نگرانی انحصارات مالی برای وقفه افتادن در انباشت سرمایه، دولتمردان و سیاستمداران را برآن داشت تا بجای پخش بموقع خبر و تدارک اقدامات لازم، به پنهان‌کاری، دروغگویی، شایعه‌پراکنی، اتهام‌زنی و غیره بپردازند و راه را برای سرایت هر چه بیشترِ بیماری فراهم‌تر کنند. و خلاصه در این میان، نقش انحصاراتِ تولیدِ دارویی و محاسبات سودآوری سرمایه‌گذاری‌شان، بیش از هر چیز جای تامل داشته و دارد.

- دانشمندان و مراکز مستقلِ تحقیقاتی نشان دادند که تهیه واکسن و تولیدِ انبوه آن و پیشگیری بموقع از پاندمی کرونایی هم بلحاظ علمی و هم بلحاظ عملی امکانپذیر است، همانطوریکه تاسیس یک بیمارستان کاملا مجهزِ ۱۰۰۰ تختخوابی در ۱۰ روز ممکن شد! آنچه بشر را از برخوردار شدن از رفاه، سلامتی و خوشبختی منع کرده و می‌کند لزوما نادانی، ناتوانی و ناداری نیست!

- دولتها از پاندمی «کووید- ۱۹» برای تعمیم و تحکیمِ کنترل اجتماعی- سیاسی-فردی، نهایتِ استفاده‌شان را کرده، و بر دامنهٔ تجاوزشان به حریم خصوصی و آزادیهای فردیِ شهروندان افزوده‌اند. اردوی کار و قربانیان «کووید-۱۹» نیز، در اینجا و آنجا، ناامید از اقداماتِ دولتها و نهادهای بی‌کفایت، تشکلات توده‌ایِ محلی، سراسری و جهانی برپا کرده‌است. مسلماً پاگیری و رشد چنین تشکلات توده‌ای، حتی اگر موقتی باشند، تمرینی برای بدست‌گرفتن سرنوشتِ جامعه است. واحدهای محلیِ کمک‌رسانی، اطلاع‌رسانی، توزیع امکانات بهداشتی و ... و همهٔ ابتکاراتی که در محل و در جریان کار شکل می‌گیرند مدرسه آموزشی و تمرینی برای خودسازماندهیِ توده‌ای هستند. با این توضیح که قرار نیست این تجمعات و تشکلات به بنگاههای خیریه بدل شوند! و یا بصورت نهادهای ضمیمه و بی‌جیره و مواجب دولتی درآیند و به ابزار بهره برداری تبلیغاتی رژیم تبدیل شوند. به این خاطر ضروری است که از موضعِ طلبکار، معترض و قدرت بمیدان آیند و لیستِ روشنی از مطالبات را دائم تنظیم نموده و از نهادهای ذیربط بخواهند. نمونه‌های زیر مثالهایی از این دسته مطالبات هستند:

- تامین امکانات حفاظتیِ حرفه‌ای برای کلیهٔ پرسنل بهداشتی-درمانی، در اختیارگذاردن ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده و شستشو بطور مجانی، تامین کیت‌های تشخیصی مورد نیاز، انجام رایگان تست با نسخهٔ پزشک، اختصاص بیمارستانِ ویژه برای اسکان بیماران کرونایی، قرنطینه اشخاص مشکوک، طبقه‌بندی مراجعین بر اساس سیستم غربال‌سازی، تخلیه کلیه زندانها و آزادی کلیهٔ زندانیان سیاسی، اسکان بی‌خانمان، زباله‌گردها، کارتن‌خوابها، کودکان بی‌سرپرست، رسیدگی به معلولین، ناتوانایان جسمی و روانی و...، اختصاص خطوط تلفنی مختلف برای تماس فوری، اطلاع‌رسانی، مشاوره و ...، زیر فشار گذاشتن شرکت‌های بیمه برای تقبل مسئولیت و تعهدات‌شان در برابر بیماران، مساعدت مالی به کسانی که بخاطر تعطیلی محل کار، قرنطینه و ... قادر به تامین هزینه‌های حیاتی‌شان نیستند، به تعطیلی کشاندن واحدهای تولیدی و مراکزی که هنوز تعطیل نشده‌اند (بویژه آنهایی که در مالکیت خصوصی هستند و از قانون خودساختهٔ مالکان پیروی می‌کنند)، مبارزهٔ آگاهگرانه با خرافاتِ شفادهیِ طبِ اسلامی، مقابله با احتکارکنندگان وسایل بهداشتی و درمانی، نظارت بر توزیع و پخش مواد و تجهیزات و ...

- اخبار دائما به روزشونده حول این بیماری را می‌توانید از سایت‌های بالنسبه معتبر مثل WHO، ECDC، CDC ، Paul Erhlich Institute دنبال کنید و آمار رسمی (؟) تعداد مبتلایان و مرگ‌ومیر را از سایت worldometers پی‌گیری نمایید.

---

[1] عکس از Naeblys

[2] برای کسب اطلاعات بیشتر به (Biopsychosocial Model) در Encyclopedia of Behavioral Medicine مراجعه کنید.

[3] مثل جنسیت، ساختار ژنتیکی، معلولیت و ناتوانی یا بیماریهای مادرزادی، سیستم دفاعی (ایمنی بدن)، مصرف دارو و ... غیره.

[4] مثل حافظه و یادگیری، باورها و برخوردها، عواطف و رفتارها، درجهٔ تاثیر حوادث و ناملایمات گذشته، شخصیت روانی و ... غیره.

[5] مثل پیشینه خانوادگی، سنت‌ها، عادات و باورهای فرهنگی-مذهبیِ مسلط و حاکم بر جامعهٔ محل زیست، وضعیت اقتصادی، اوضاع سیاسی، موقعیت تحصیلی و ... غیره.

[6] Islets of Langerhans) مجموعه سلول‌هایی (آلفا، بتا و دلتا) در درون لوزالمعده هستند که به ترتیب هورمون‌های گلوکاگون، انسولین و سوماتواستاتین را ترشح می‌کنند. این سلولها در سال ۱۸۶۹ توسط پاول لانگرهانس کشف شدند و به همین نام ثبت گردیدند.

[7] Cognitive Behavioral Therapy

[8] Thomas Piketty استاد مدرسهٔ عالی مطالعات علوم اجتماعی و دانشکدهٔ اقتصاد پاریس است. او مطالعات وسیعی در رابطه با زمینه‌های نابرابری در ثروت و درآمد انجام داده است. بخشی از پژوهش‌های او در کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» Capital in the Twenty-First Century (۲۰۱۳) ارائه شده است.

[9] Yoshihiro Francis Fukuyama متخصص اقتصاد سیاسی و استاد دانشگاه جانز هاپکینز و نویسندهٔ کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» The End of History and the Last Man (۱۹۹۲) می‌باشد. این کتاب توسط عباس عربی و زهره عربی به فارسی ترجمه شده است. فوکویاما در سال ۲۰۱۸ در مصاحبه‌ای ادعای ۲۵ سال پیش خود را پس گرفت. Fukuyama's second thoughts: 'socialism ought to come back'.

[10] برای نمونه به گزارش تصویری "The Great Global Warming Swindle" توجه کنید. این برنامه که توسط شبکه چهار بریتانیا ساخته شده همه تئوریهای علمی را زیر سئوال می‌برد و نهایتا دلیل گرمایش زمین را به خورشید نسبت می‌دهد! در بایگانی قدیمی سایت بی.بی.سی هم گزارشی در این باره وجود دارد که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند. لینک دسترسی

[11] پاندمی از واژهٔ فرانسوی Pandémie می‌آید و هنگامی بکار می‌رود که یک بیماری از مرزهای کشورها و قاره‌ها می‌گذرد و جهانی می‌شود.

[12] Covid-19 اسمی است که «سازمان بهداشت جهانی WHO» روی این بیماری نهاده که مخفف **co**rona**vi**rus **d**isease **2019** است. به این معنی که بیماری توسط ویروسی از خانوادهٔ کرونا در سال ۲۰۱۹ شایع شد.

[13] SARS-CoV-2 مخفف severe acute respiratory syndrome coronavirus 2 و به معنی سندرم حاد تنفسی کروناویروس است. عدد ۲ هم نشانگر آن است که این دومین ویروس از این خانواده است که عوارض معروف به SARS را ایجاد می‌کند.

[14] «سارز» SARS مخفف سندرم حاد تنفسی (severe acute respiratory syndrome) و «مرس» MERS مخفف «سندرم تنفسی خاورمیانه (Middle East respiratory syndrome) است که در سال ۲۰۱۴ در خاورمیانه شیوع پیدا کرد و به مرگ هزارها نفر انجامید.

[15] دورهٔ کمون یا Incubation به زمانی گفته می‌شود که از ورود عامل بیماری‌زا به بدن تا بروز نشانه‌های بیماری (symptoms) طول می‌کشد.

[16] از سایت «worldometers» می‌توانید آمار به‌روز و رسمی مبتلایان و مرگ‌ومیر را دنبال کنید.

[17] گفتنی است که واژه «تسلیحات بیولوژیک» biological-weapon ابدا من‌درآوردی نیست. بقدری باسابقه و جاافتاده است که حتی در انسیکلوپدیای بریتانیکا هم می‌توانید فصل مربوط به آنرا بخوانید. لینک دسترسی

[18] لینک دسترسی به اطلاعات بیشتر: Biological Weapons Convention (BWC) Compliance Protocol

[19] لینک دسترسی به پروژه معروف به «The Tuskegee Timeline»

[20] این سایت از سال ۲۰۱۱ تاکنون توانسته حدود یک و نیم میلیون محقق را از ۱۹۲ کشور بعضویت خود درآورد. بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی معمولا از این سایت برای خبر رسانی استفاده می‌کنند.

[21] Is new Coronavirus (COVID-19) a Biological Weapon blasted against the China's economy?

[22] Single-cell RNA expression profiling of ACE2, the putative receptor of Wuhan 2019-nCov.pdf
Uncanny similarity of unique inserts in the 2019-nCoV spike protein to HIV-1 gp120 and Gap.pdf

[23] No, the 2019-nCoV genome doesn't really seem engineered from HIV
Coronavirus and conspiracy theory.pdf

[24] مقالهٔ مندرج در اسپوتنیک در رابطه با نقش امریکا در پاندمی کرونا ویروس: جنگ بیولوژیک امریکا علیه چین یا آیا امریکا چین را هدف حمله بیوتروریستی قرار داده است؟

[25] دو بیولوژیست چینی مدعی شده‌اند که ویروس «سارز-کووی-۲» از یک آزمایشگاه تحقیقاتی که در ۲۸۰ متری بازار ماهی فروشی‌ای که ویروس در آنجا یافت شد، به بیرون درز کرده است. این مقاله و این ادعا، در رسانه‌های خبری انعکاس زیادی پیدا کرد اما هیچ منبع معتبر علمی تابحال اقدام بچاپ آن نکرده‌است. جستجو در «Pubmed» که معتبرترین سایت برای مقالات علمی-پزشکی است اثری از انتشار این مقاله بدست نمی‌دهد.

[26] Did China's Plan to Destroy the United States Backfire?

[27] Ability of conversion of genes of Coronavirus group to COVID-19 by WHO) by genetic engineering?

[28] The Anglo-Saxon Mission

[29] The Anglo-Saxon Mission, explained by Bill Ryan : a Project Avalon video این ویدئو کلیپ زیرنویس فارسی هم دارد. با انتخاب علامت چرخ در گوشه راست صفحه ویدئو، از آلترناتیو ماقبل آخر زبان فارسی را انتخاب کنید. از دقیقه ۱۵ به بعد به این پروژه اختصاص دارد.

[30] Giorgio Agamben, "The state of exception provoked by an unmotivated emergency" لینک به ترجمه فارسی

[31] https://en.wikipedia.org/wiki/2019_Military_World_Games
https://www.milsport.one/news/news-post/the-7th-cism-world-games-2019-are-launched

[32] او در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، اعلام کرد که ویروس "هوشمند" جدید یک سلاح بیولوژیک است و شدیدا باید در جهت مهار آن اقدام کند: کرونا سلاح بیولوژیک قدرت‌های سلطه‌گر است

[33] President Trump made 16,241 false or misleading claims in...

[34] برای مثال به مقاله The Army tested 'germ warfare' on the NYC subway by smashing lightbulbs full of bacteria مراجعه کنید.

[35] برای مثال به مقاله « Over and over again, the military has conducted dangerous biowarfare experiments on Americans » مراجعه کنید.

[36] با قراردادن موشواره روی هر خط می‌توانید اطلاعات ژنتیکی و حتی موتاسیون حدود ۱۵۰ ویروس جدا شده از بیماران را ببینید: لینک دسترسی

[37] The spike glycoprotein of the new coronavirus 2019-nCoV contains a furin-like cleavage site absent in CoV of the same clade این مقاله در Antiviral Research 176:104742 · February 2020 چاپ شده است.

[38] با قراردادن موشواره روی هر خط می‌توانید اطلاعات ژنتیکی و حتی موتاسیون حدود ۱۵۰ ویروس جدا شده از بیماران را ببینید: لینک دسترسی

[39] او مقاله‌ای هم در همانسال (۲۰۱۵) در معتبرترین مجله علوم پزشکی با عنوان « A SARS-like cluster of circulating bat coronaviruses shows potential for human emergence » چاپ کرد.

[40] برای مثال در سال ۲۰۱۵، سایت دانشمند (The Scientist) مقاله‌ای در این رابطه منتشر کرد: Lab-Made Coronavirus Triggers Debate

[41] علت انتخابِ نام «رویداد ۲۰۱» این بود که جامعه بشری شاهد افزایش اپیدمی است؛ چیزی حدود ۲۰۰ اپیدمی در سال گزارش می‌شود. موضوع این کنفرانس کسب آمادگی برای مقابله با ۲۰۱ امین بود! به گزارش این جلسه از سایت جان هاپکینز. همانطور که دیده می‌شود سئوالات و شبهات حول این جلسه آنقدر زیاد بود که موسسه جان هاپکینز مجبور شد تا لینکِ توضیحی بگذارد و متذکر شود که مدل انتخابی آنها ربطی به شیوع کرونا در چین نداشته است.

[42] برگرفته از ویکیپدیا، دسترسی به لینک زیر فصل Historic pandemics

[43] اطلاعات بیشتر را از صفحه رسمی بی.بی.سی بگیرید: Pandemic (H2N2 virus 1958-1957)

[44] Estimated global mortality associated with the first 12 months

[45] US Flu Cases Climb to 15 Million With 54 Pediatric Deaths Recorded in 2019-20 Season

[46] پیشتر در همین نوشتار به «رویداد ۲۰۱» اشاره شد که در ماههای پایانی سال گذشته برگزار گردید و چنانکه گفته شد اشاره‌اش به همین ۲۰۰ مورد اپیدمی سالیانه و تدارک آمادگی برای ۲۰۱ امین آن در سال ۲۰۱۹ بود.

[47] بنا به گزارش W.H.O (مورخ ۳ مارس) میزان مرگ‌ومیر حدود ۳،۴٪ گزارش شده است.

[48] پروفسور ترزا لاگرگورد، از دانشکده میکروبیولوژی دانشگاه گوتنبرگ سوئد، پس از دهها سال مرارت موفق شد تا واکسن اسهال کودکان را آماده تولید کند. عنوان مقابله به زبان سوئدی این است: «هیچ کس حاضر نیست برای واکسن فقرا پولی بپردازد»

[49] او توضیح می‌دهد که از شروع یک اپیدمی یا پاندمی تا تهیه و تولید واکسن یا داروی درمانی حداقل چند ماهی طول می‌کشد و معمولا وقتی داروی مربوطه آماده مصرف می‌شود، دوره شیوع بیماری نیز پایان رسیده و بیش از چند ده هزار نفر مصرف‌کننده باقی نمی‌ماند. نتیجتاً شرکتهای داروئی ترجیح می‌دهند برای چنین تعداد محدودی سرمایه‌گذاری نکنند، چون سودآور نیست! در این مقاله که در یکی از معتبرترین نشریات علمی بچاپ رسیده با Rolf Hilgenfeld و کارها و نظراتش بیشتر آشنا خواهید شد. لینک دسترسی

[50] شاید توضیح کوتاهی راجع به راههای تهیه واکسن لازم باشد و اینکه چقدر سریع قابل تهیه است. بطور کلی دو روش اصلی برای تهیه واکسن وجود دارد ۱- استفاده از خود ویروسِ بیماریزا، کشت آن در محیطهای ویروسی برای تهیه مقدار کافی، کشتن ویروسها توسط گرما یا فرمالین یا اشعه و تزریق آنها به افراد سالم تا خود سیستم ایمنی بدن علیه آن مقاومت ایجاد کند ۲- استفاده از اطلاعات ژنتیکی ویروس و تهیه یک نمونهٔ صنعتی از آن برای تزریق به افراد سالم بمنظور ایجاد ایمنی. به این معنی، این پروسه بسیار ساده است و سریع پیش می‌رود.

[51] Rolf Hilgenfeld and MalikPeiris, "From SARS to MERS: 10 years of research on highly pathogenic human coronaviruses"

[52] Alimuddin Zumla, Coronaviruses — drug discovery and therapeutic options

[53] صندوق بین‌المللی پول برای مقابله با ویروس کرونا ۵۰ میلیارد دلار اختصاص داد از بی.بی.سی

[54] اختصاص ۶۲ میلیارد دلار از طرف دو نهاد مالی جهانی برای مقابله با پیامدهای کرونا از رادیو فردا

[55] به ادعای Shantini Gamage معاون اداره عمومی بیماریهای عفونی امریکا و همکارانش. لینک دسترسی

[56] پیش‌شرط تولید یک دارو، انجام مطالعهٔ کلینکی است که در سه فاز انجام می‌شود: در فاز اول که به مطالعه سالم بودن محصول مربوط می‌شود، تعداد معدودی داوطلب سالم دُزهای پایینی از دارو را دریافت می‌کنند. نتایج و عوارض ثبت می‌شود و در صورت سالم بودن دارو رفته رفته بر دُز آن افزوده می‌گردد. در فاز دوم که به بررسی تاثیر درمانی دارو مربوط می‌شود تعدادی از بیماران دُزهای مختلف دارو را تست می‌کنند و تاثیرات مثبت و عوارض احتمالی ثبت می‌گردد. در فاز سوم هم سلامت دارو و هم تاثیرات درمانی آن در یک گروه بزرگتر (معمولا بالای هزار) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اگر نتایج فاز سوم رضایتبخش باشد پروانهٔ تولید صادر می‌شود. پس از تولید صنعتی دارو، فاز چهارم آغاز می‌شود تا موارد احتمالا جدید از گزارشات مربوط به عوارض جانبی و غیره ثبت گردند.
تهیه واکسن علیه ویروس کرونای جدید از لحاظ تئوریک ممکن، آسان و کم‌هزینه است و بلحاظ عملی تنها چند هفته وقت می‌برد. اما ورود آن به بازار متضمن نتایج موفقیت‌آمیز مطالعات حیوانی و سپس انسانی (یعنی سپری کردن ۳ فاز توضیح داده شدهٔ فوق) است.
یکی از دلایل طرفداران وضع موجود و بوروکراسی طول و دراز حاضر، عوارض جانبی ناشی از واکسن‌هایی است که با عجله تولید می‌شوند. مثلا واکسن آنفلوآنزای خوکی پس از تلقیح گسترده نشان داد که عوارضی مثل نارکولپسی (narcolepsy) بجا گذاشت. لینک دسترسی به I Skuggan av Pandemrix

[57] Ebola outbreak: Why has 'Big Pharma' failed deadly virus' victims? به نقل از ایندیپندنت 7 September 2014

[58] برای اطلاعات بیشتر به مقاله «بحران انباشت و دولت پلیسی جهانی» مراجعه کنید.

[59] گزارش آکسفام

[60] نقل قولها از مقاله یاد شده در همین پاراگراف است.

[61] Large Ebola outbreaks new normal, says WHO

[62] برای مطالعه گزارش به The Genome Revolution و برای مطالعه در باره سئوال مربوطه به Goldman Sachs asks in biotech research report: 'Is curing patients a sustainable business model?'

[63] Should the Government Make Vaccines?

[64] به نقل از: How the COVID-19 Outbreak Shows the Limits of Pharma's Monopoly Model

[65] برگرفته از امپریالیسم چین: قدرتی جدید در افریقا / ترجمه احمد سیف؛ متن اصلی (انگلیسی)

[66] برای مثال نگاه کنید به A quick guide to the US-China trade war و یا به «گروه۲۰، تجارت و ثبات مالي»